یادداشت

شکست پروژه مهار؛ چگونه ولایتعهدی تحمیلی به تریبون بیداری تبدیل شد؟

پیروزی در زمین دشمن

آیت‌الله محمود رجبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، رئیس و عضو هیئت امنای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) | امامان شیعه و به تبع آنان، شیعیان در طول تاریخ بر حسب وظیفه الهی و رسالت نبوی خویش، همواره همچون آتشفشانی خروشان علیه حاکمان جائر، فاسد و غاصب اموی و عباسی بوده‌اند. این خروش و مبارزه، نه یک هیجان زودگذر، بلکه جریانی مستمر و ریشه‌دار در بطن تفکر اصیل اسلامی بوده است که در زمان‌های مختلف و بسته به اقتضائات سیاسی و اجتماعی، قالب‌های متفاوتی به خود گرفته است. گاه در قالب قیام سرخ حسینی تجلی یافته، گاه در کرسی‌های درس صادقین(ع) تبلور داشته و گاه در هجرت‌های تمدن‌ساز ظهور کرده است.

پس از واقعه جانسوز عاشورا و شهادت مظلومانه اباعبدالله الحسین(ع)، دو عامل اساسی به عنوان پیشران‌های این مبارزه دائمی تثبیت شد: نخست، مظلومیت و قداست امامان به عنوان رهبران الهی و دوم، غاصب و فاسد بودن حاکمان وقت. این دو عنصر، موتور محرک نهضت شیعی بود که هم در بعد معرفتی و هم در بعد انگیزشی، پیروان اهل‌بیت(ع) را در سخت‌ترین شرایط تاریخی تغذیه می‌کرد.

دو رکن بنیادین در تداوم و پایداری نهضت‌های شیعی

در تحلیل هر حرکت، جریان و نهضت پویایی، اگر دو عامل معرفتی و عاطفی-انگیزشی به شکلی مطلوب و هم‌افزا وجود داشته باشد، آن جریان تا رسیدن به اهداف نهایی خود از پای نخواهد نشست. در نهضت شیعه، مظلومیت و قداست اهل‌بیت(ع) تأمین‌کننده بعد انگیزشی و عاطفی بود؛ چراکه توده مردم با مشاهده پاکی و حقانیت امامان از یک سو و ستمی که بر آنان می‌رفت از سوی دیگر، پیوندی عمیق و قلبی با رهبری الهی برقرار می‌کردند.

در مقابل، شناخت دقیق از ماهیت غاصبانه و مفاسد اخلاقی و سیاسی حاکمان اموی و عباسی، بعد معرفتی این مبارزه بی‌امان را تأمین می‌کرد. راز تداوم و پایداری این نهضت، باوجود انواع جنایت‌ها، شکنجه‌ها و محدودیت‌هایی که علیه شیعیان اعمال می‌شد، دقیقاً در همین دو عنصر نهفته بود. تا زمانی که امام در چشم مردم «مقدس و مظلوم» و حاکم «غاصب و ظالم» شناخته می‌شد، مشروعیت دستگاه خلافت زیرسؤال بود و شعله قیام‌ها خاموش نمی‌شد.

استراتژی پیچیده مأمون برای تقدس‌زدایی از مقام امامت

این مبارزه مستمر در زمان حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) به نقطه‌ای حساس رسید. مأمون عباسی که از هوش سیاسی سرشاری برخوردار بود، از این آتشفشان نهفته‌ای که هر از چندگاه در قالب ...

... را به عنوان یک گروه بی‌خطر در ساختار قدرت هضم کند تا به کلی از صحنه مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حذف شوند.

بر همین اساس، مأمون، حضرت را از مدینه به مرو فراخواند و پیشنهاد ولایتعهدی را با اصرار فراوان مطرح کرد. او با این عمل می‌پنداشت اگر حضرت ولایتعهدی را بپذیرد، در ساختار حکومت خلفای جائر قرار می‌گیرد و با این کار، عنصر «قداست و مظلومیت» در افکار عمومی فرومی‌پاشد. مأمون می‌خواست به مردم القا کند مظلومیت اهل‌بیت(ع) به پایان رسیده و اگر آنان تاکنون علیه خلفا مبارزه می‌کردند، نه به خاطر مسائل اعتقادی، بلکه صرفاً به دلیل دست نیافتن به قدرت بوده است. او قصد داشت نشان دهد اکنون که سفره قدرت پهن شده، اهل‌بیت(ع) نیز به‌راحتی بر مسند قدرت تکیه زده‌اند و بدین ترتیب، هم خود و هم خلفای گذشته را تطهیر و عنصر معرفتی «غاصبانه بودن خلافت» را از ذهن‌ها پاک کند.

تدبیر رضوی؛ تبدیل تهدید ولایتعهدی به فرصت تبیین

امام رضا(ع) با اشرافی الهی بر این توطئه پیچیده، اقداماتی را طراحی کردند که نه تنها نقشه مأمون را خنثی کرد، بلکه جبهه حق را تقویت کرد. ایشان از یک سو با تأکید بر عزاداری برای اهل‌بیت(ع) به‌ویژه حضرت سیدالشهدا(ع) و تجلیل از شاعران سوگ‌سرا، مظلومیت و قداست این خاندان را دوباره در مرکز توجهات قرار داده و به گفتمان‌سازی پرداختند. این اقدام، بعد انگیزشی نهضت را زنده نگه داشت.

از سوی دیگر، امام(ع) با هوشمندی تمام، شرط پذیرش ولایتعهدی را عدم مداخله در هیچ‌یک از شئون اجرایی، عزل و نصب‌ها و امور حکومتی قرار دادند. این شروط به ظاهر ساده، درواقع اعلام رسمی و عملی نامشروع و غاصبانه بودن دستگاه مأمون بود. امام با این اقدام به جامعه نشان دادند حضور ایشان نه برای مشارکت در قدرت، بلکه از روی اجبار بوده و ماهیت ظالمانه حکومت مأمون هیچ تغییری نکرده است. ایشان با این تدبیر، هر دو عنصر اساسی موج خروشان نهضت شیعه را حفظ و شبکه مخفی و آشکار پیروان را برای مقابله با انحرافات عباسی تغذیه کردند تا با کمال معرفت، به مسیر خود برای برپایی عدل اسلامی ادامه دهند.

از منظر تحلیل سیاسی و کارشناسی، مدل رفتاری امام رضا(ع) در مواجهه با قدرت حاکم، یک الگوی بی‌بدیل از دیپلماسی الهی است. ایشان نشان دادند چگونه می‌توان در متن یک ساختار سیاسی حضور داشت اما از هضم شدن در آن امتناع کرد. موفقیت امام در این مقطع، در گرو تفکیک دقیق میان پذیرش مسئولیت برای خدمت به خلق و تبیین حق با توجیه اعمال حاکمان جائر بود.

امروز نیز در تحلیل سیره رضوی باید به این نکته کلیدی توجه داشت که ایشان با استفاده از کرسی ...

با حضور تولیت آستان قدس رضوی نسیم مهربانی در رواق دارالقرآن با اهدای ۴۰ واحد مسکونی به خانواده‌های نیازمند وزیدن گرفت

وقتی نذورات زائران «خانه» می‌شود

محمدحسین مروج | در ایامی که عطر دل‌انگیز کرامت، فضای ملکوتی مشهدالرضا(ع) را دربرگرفته و شهر به استقبال ولادت باسعادت خورشید هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) رفته است، صحن و سرای رضوی شاهد تبلور عینی رأفت بود. روز گذشته، مدرسه تاریخی «دو در» (دارالقرآن الکریم) میزبان آیینی بود که لبخند را بر لبان خانواده‌های احسان‌پذیر نشاند؛ مراسمی برای واگذاری سرپناه‌هایی که آجر به آجر آن با مهر امام مهربانی‌ها و نذورات ارادتمندان ایشان بنا شده است.

کلیدهایی به نشانه خدمت کریمانه

در این مراسم که با حضور آیت‌الله احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی و جمعی از مدیران ارشد این نهاد برگزار شد، به نمایندگی از ۴۰ خانواده برگزیده، کلید هشت واحد مسکونی به خانواده‌های نیازمند اهدا شد. این واحدها که در طول یک سال گذشته و به همت بنیاد کرامت رضوی ساخته شده‌اند، هدیه‌ای متبرک از سوی امام رئوف(ع) برای کسانی است که ذیل چتر حمایت آستان مقدس قرار دارند.

آیت‌الله مروی: گره‌گشایی، سیره امامان و مشی شهدای خدمت است

تولیت آستان قدس رضوی در این آیین با تبریک دهه کرامت و میلاد باسعادت امام رضا(ع)، با اشاره به حدیثی از آن حضرت مبنی بر اینکه هرکس نسبت به گره‌گشایی و شاد کردن دل مردم اقدام کند خداوند در روز قیامت گره کار او را برطرف می‌کند؛ با استناد به سیره امام حسن عسکری(ع)، نیکی به مردم را والاترین خصلت انسانی پس از ایمان به خدا دانست. وی با گرامیداشت یاد و خاطره رهبر شهید و تأکید ایشان بر رسیدگی به امور مردم، به ذکر خاطره‌ای درس‌آموز پرداخت: ایشان حتی برای حل مشکلات به ظاهر کوچک مردم در دورترین نقاط کشور همت می‌گماردند؛ چراکه معتقد بودند مسئولان نباید در میان مشغله‌های کلان، از جزئیات دشوار زندگی روزمره محرومان غافل شوند. تولیت آستان قدس رضوی بیان کرد: حتی گاهی اوقات باز کردن یک گره کوچک از کار مردم که شاید نزد دیگران اهمیت چندانی هم نداشت آن‌قدر مهم بود که خوشحالی، شعف و سپاسگزاری رهبر شهید به درگاه خدای متعال را دربرداشت. تولیت آستان قدس رضوی تصریح کرد: رهبر شهید هم به زبان و هم در عمل به مسئولان و آحاد مردم در زمینه رفع مشکلات نیازمندان و اقشار آسیب‌پذیر و بازکردن گرهی هرچند کوچک از زندگی مردم تأکید داشتند.

۴۰ چراغ امید به برکت رضوی

آیت‌الله مروی در بخش دیگری از سخنانش به همت و تلاش آستان قدس رضوی در اختصاص دادن بخشی از نذورات تقدیمی زائران و دلدادگان بارگاه مطهر به رفع مشکلات مردم و امور خیریه اشاره کرد و یادآور شد: انجام این‌گونه کارهای خیر و خداپسندانه در رفع مشکلات مردم و به‌ویژه اقشار احسان‌پذیر، مانند آنچه امروز در واگذاری این ۴۰ واحد مسکونی شاهد هستیم، همگی به برکت نام امام هشتم(ع) و با اموال و دارایی‌های متعلق به امام رضا(ع) است که توسط ناذران محترم و با عنوان نذورات مردمی به آستان قدس رضوی تقدیم شده است.

عکس: رضوی

نذرهای خرد و کلانی که صرف گره‌گشایی می‌شوند

وی اضافه کرد: همه ناذران و کسانی که نذورات خود را هرچند به میزان بسیار کم و محدود در این راه تقدیم بارگاه مطهر حضرت رضا(ع) کرده‌اند، در ثواب این اقدام خداپسندانه که سبب خشنودی حضرت رضا(ع) می‌شود، شریک و سهیم هستند و ما بدون اینکه منتی بر سر کسی داشته باشیم، با توجه به مقدورات، امکانات، توان و ظرفیت خودمان، وظیفه خدمت‌رسانی خود در آستان قدس رضوی را در جهت رفع مشکلات مردم انجام داده‌ایم.

آیت‌الله مروی با تبیین این نکته که تمامی این اقدامات از محل نذورات خرد و کلان مردم تأمین شده است، تصریح کرد: ما تنها واسطه‌ای برای ادای امانت زائران هستیم. ذره‌ذره این نذورات صرف گره‌گشایی از ولی‌نعمتان ما می‌شود و تمامی ناذران در ثواب این خانه‌دار شدن‌ها شریک‌اند.

افق روشن آینده: ساخت ۱۵۰ واحد جدید تا سال آینده

بخش نویدبخش سخنان تولیت آستان قدس، وعده توسعه این طرح حمایتی بود. وی اعلام کرد: نباید به ۴۰ واحد بسنده کرد. هدف‌گذاری ما این است که با عنایت حضرت رضا(ع) و همت مضاعف بنیاد کرامت و بخش نذورات، در دهه کرامت سال آینده شاهد واگذاری ۱۵۰ واحد مسکونی دیگر به خانواده‌های نجیب و احسان‌پذیر باشیم.

چشم‌انداز «امام‌رضایی» بودن؛ از اخلاق فردی تا حقوق کارگر

آیت‌الله مروی در بخش دیگری از سخنان خود، «امام‌رضایی بودن» را فراتر از زیارت و جشن دانست و بر لزوم تجلی سیره عملی آن حضرت در زندگی تأکید کرد. وی با برشمردن ویژگی‌هایی چون تواضع، احترام به میهمان، ممانعت از تضییع حق کارگر و مداومت در قرائت قرآن، خاطرنشان کرد: در مجموعه آستان قدس، تأکید مؤکد ما بر پرداخت حقوق کارگران پیش از خشک شدن عرق آنان است تا عدل رضوی در متن سازمان جاری باشد. وی در پایان اظهار امیدواری کرد با استعانت از درگاه حضرت باری‌تعالی و با توسل به حضرت رضا(ع) و سایر ائمه اطهار(ع) بتوانیم در مسیر پیاده کردن و عمل به دستورات و سنت و سیره حضرات معصومین(ع) بیش از پیش موفق باشیم.

شایسته‌گزینی برای واگذاری واحدها

در ابتدای این مراسم، محمدحسین استادآقا، مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی با ارائه گزارشی از روند اجرای طرح گفت: پس از دستور سال گذشته تولیت مبنی بر انجام یک اقدام ماندگار، امسال ۴۰ خانواده از میان ۱۱۰ متقاضی که براساس شاخص‌های دقیق استحقاق‌سنجی، بیشترین امتیاز را کسب کرده بودند، شناسایی و صاحب خانه شدند. این آیین با اهدای میثاق‌نامه‌ها و کلیدهای متبرک به پایان رسید.

چرا هجرت امام رضا(ع) نقطه عطف بقای فرهنگ ایرانی شد؟

پارسی‌گویان در پناه ثامن‌الحجج علیه‌السلام

هجرت تاریخی حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) از مدینه به سوی مرو، تنها یک جابه‌جایی جغرافیایی در شطرنج سیاسی خلافت عباسی نبود، بلکه این واقعه، نقطه عطفی در تاریخ تمدن اسلامی رقم زد که شعاع برکات آن از مرزهای زمان و مکان فراتر رفت. حضور امام هشتم(ع) در قلب خراسان بزرگ، نه تنها جغرافیای مذهبی منطقه را دگرگون کرد، بلکه بنیان‌گذار رنسانسی علمی و فرهنگی شد که شکوه آن در قرون بعدی، دانشمندان و ادیبان بزرگی را به جهان معرفی کرد.

در ادامه، برکات حضور ایشان در حوزه‌های تمدنی، فکری و اخلاقی را بر پایه تحلیل‌های ارزشمند حجت‌الاسلام والمسلمین احمد عابدی، استاد سطوح عالی حوزه مرور می‌کنیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، واکاوی میراثی است که هنوز در رگ‌های فرهنگ، زبان و باورهای ما جاری است؛ روایتی از یک رنسانس علمی که از قلب مرو آغاز شد.

جغرافیای پهناور خراسان و دگرگونی مذهبی در ماوراءالنهر

هنگامی که در منابع تاریخی از حضور امام رضا(ع) در خراسان سخن می‌گوییم، نباید ذهن را تنها به مرزهای امروزی ایران محدود کنیم. خراسان آن روزگار، پهنه وسیعی شامل کشورهای کنونی تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و افغانستان بود. امام(ع) در این هجرت، مدتی طولانی در مناطقی مانند سمرقند و مرو سکونت داشتند. پیش از ورود ایشان، این مناطق کانون قدرت فکری اهل سنت بود؛ به‌گونه‌ای که محمد بن اسماعیل بخاری، صاحب کتاب صحیح بخاری، معاصر امام بود و در میان مردم محبوبیت فراوانی داشت.

استقبال مردم از شخصیت‌های علمی اهل سنت در آن زمان بسیار پرشورتر از استقبال اولیه از امام بود، اما حضور حکیمانه حضرت و بیان حقایقی همچون حدیث سلسله‌الذهب در نیشابور، ورق را برگرداند. امام(ع) با تبیین پیوند توحید و ولایت، چنان تحولی در افکار عمومی ایجاد کردند که نه تنها محبوبیت ایشان نزد همگان فزونی یافت، بلکه آن مناطق وسیع به برکت وجود ایشان به مذهب تشیع گرویدند. این دگرگونی مذهبی چنان عمیق بود که حتی پس از قرن‌ها، ریشه‌های ارادت به اهل‌بیت(ع) در جای‌جای این جغرافیا تنومند باقی مانده است.

شکوفایی تمدن علمی و صیانت از قند پارسی

حضور امام رضا(ع) در خراسان، بسترساز یک جهش علمی بی‌سابقه شد. بسیاری از نوابغ بزرگ تاریخ که مایه افتخار جهان اسلام هستند، از دل همین جغرافیایی برخاستند که تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم میراث علمی رضوی بود. شخصیت‌هایی همچون ابوعلی سینا از بخارا، فارابی از فاراب، ابوریحان بیرونی و رودکی سمرقندی، همگی در اتمسفر فرهنگی و علمی‌ای رشد کردند که امام(ع) بنیان‌گذار آن بودند. حتی کتاب‌های تخصصی که بعدها در حوزه‌های علمیه تدریس شد، مانند زیج الغ‌بیگ در نجوم یا آثار پزشکی چقینی، ریشه در این خاک دانش‌پرور دارند.

علاوه بر علم، زبان فارسی نیز مدیون برکات حضور ایشان است. زبان فارسی سلیس و روانی که در اشعار رودکی و فردوسی تجلی یافت و امروزه در تاجیکستان و افغانستان با همان اصالت شنیده می‌شود، در پرتو امنیت فرهنگی ایجادشده توسط حضور امام(ع) قوام یافت. ایشان با تکریم عالمان و ادیبان موجب شدند خراسان به قطب تولید علم و ادب تبدیل شود؛ به‌طوری که حتی آثار منظوم و منثور بسیاری در شرح آیات قرآن و روایات به زبان فارسی در آن دوران نگاشته شد که نشان‌دهنده پیوند عمیق دین و زبان ملی در آن سامان است.

بنیان فکری استوار در برابر انحرافات

یکی از مهم‌ترین ابعاد حضور امام رضا(ع) پی‌ریزی بنیان‌های فکری استوار در برابر انحرافات کلامی بود. امروزه تفاوت فکری عمیقی میان مسلمانان شمال خراسان و افغانستان با تفکراتی مانند وهابیت مشاهده می‌شود. در حالی که در برخی نحله‌های فکری، اعتقاد به تجسیم خداوند و دیدنی بودن او رواج دارد، مردم آن مناطق به برکت آموزه‌های امام هشتم(ع) به توحیدی ناب معتقدند که در آن خداوند از هرگونه جسمانیت منزه است. این مردم که در فقه پیرو مکاتب دیگر هستند، در اصول دین و ارادت به اهل‌بیت(ع)، اشتراکات بنیادینی با شیعه دارند. آن‌ها زیارت امام رضا(ع) را بخشی از ایمان خود می‌دانند و برخلاف وهابیت که زیارت را شرک می‌پندارد، برای مضجع شریف ایشان قداست فراوانی قائل‌اند. این ثبات فکری و دوری از افراط‌گرایی، میراث گرانبهایی است که امام(ع) با مناظرات علمی خود با سران ادیان و فرق مختلف، از یهودی و مسیحی گرفته تا زرتشتی و مزدکی، در آن منطقه به یادگار گذاشتند و لقب عالم آل محمد(ع) به‌راستی برازنده این شکوه علمی است.

تکریم انسان و حقوق زیردستان

درکنار تمام عظمت‌های علمی و تمدنی، سیره اخلاقی امام رضا(ع) در برخورد با توده‌های مردم و حتی زیردستان، عالی‌ترین درس انسانیت است. امام(ع) میان اخلاق و آداب تفکیک قائل بودند و بر رعایت دقیق آداب معاشرت تأکید فراوان داشتند. در سیره ایشان آمده است هرگز اجازه نمی‌دادند کرامت انسانی خادمان و غلامان خدشه‌دار شود. این سطح از رعایت حقوق انسان‌ها و تواضع در برابر زیردستان، در کنار مقام علمی والای ایشان، تصویری جامع از یک پیشوای الهی ارائه می‌دهد. امام رضا(ع) به ما آموختند علم و قدرت باید در خدمت اخلاق و ادب باشد. امروز، وظیفه ما در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، تنها یادگیری فرمول‌ها و متون نیست، بلکه تأسی به این سیره رضوی در راستای کسب رضایت الهی و خدمت به خلق است.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مسعود یوسفی درباره تجلی مفهوم وحدت در سیره امام رضا(ع)

در مکتب رضوی قدر مشترک وحدت، «انسانیت» است

ریحانه عامل نیک | امروز ایران غرق در نوری است که از توس می‌تابد. در سالروز میلاد خورشید هشتم، حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) به سراغ لایه‌های پنهان و درخشان زندگی ایشان رفته‌ایم. اما نه از زاویه تکراری، بلکه با نگاهی به یک مفهوم حیاتی: «وحدت». آیا وحدت تنها یک شعار سیاسی است یا ریشه در تار و پود رفتار کسی دارد که او را «امام رئوف» می‌نامیم؟

برای پاسخ به این پرسش، با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود یوسفی، کارشناس دین و تاریخ گفت‌وگو کردیم تا بدانیم چگونه می‌توان از سفره رضوی، برای دردهای امروز جامعه، مرهمی از جنس وحدت و همدلی استخراج کرد.

سفره‌ای که دیوار نداشت: وقتی نژاد و رتبه رنگ می‌بازد

در بررسی تاریخ رضوی، «کرامت انسانی» برجسته‌ترین کلیدواژه است. در جهانی که القاب و طبقات اجتماعی فاصله ایجاد کرده‌اند، سیره ایشان چگونه می‌تواند این مرزها را در جامعه امروز ما کمرنگ کند؟

بگذارید از یک قاب تاریخی آغاز کنم. کاروان امام در راه توس است. وقت ناهار می‌رسد. مأمور حکومتی که عادت کرده بزرگان را در حصار «تفاوت‌ها» ببیند، می‌خواهد سفره امام را از خدمه و کارگران جدا کند. خدمه ظاهربین که گمان می‌کردند شأن سیاسی امام اقتضا می‌کند سفره‌ای مجزا داشته باشند، پیشنهاد دادند ایشان به تنهایی غذا بخورند. اما امام(ع) با کلامی که باید آن را «منشور برابری» نامید، فرمودند: «إنّ أبانا و أمّنا واحد...»؛ پدر و مادر همه ما یکی است؛ پس چرا سفره‌هایمان جدا باشد.

این یعنی «انسانیت» قدرِ مشترک ماست. این یک استراتژی اخلاقی است. اگر امروز درگیر تنش هستیم، ریشه‌اش در احساس ... «کینه‌توزی شخصی» مرزبندی کنیم. امام(ع) در اصول توحیدی و ایستادگی در برابر استثمار مردم، سر سوزنی عقب‌نشینی نمی‌کردند؛ چراکه آنجا بحث حق مردم و فرمان خدا بود. همچنین در مواجهات انسانی، حتی با سرسخت‌ترین دشمنان، اخلاق را ذبح نمی‌کردند. ما امروز نیازمند این بلوغ هستیم که بدانیم می‌توانیم در سیاست یا اندیشه، تفاوت دیدگاه‌های بنیادین داشته باشیم، اما در عین حال، حرمت انسان بودن طرف مقابل را حفظ کنیم. امام به ما آموختند نبرد فکری نباید به حذف کرامت رقیب منجر شود. حتی در حوزه مسائل فردی می‌توانیم با محبت، بسیاری از خطاها و لغزش‌ها را نادیده بگیریم و بسیاری از اختلافات شخصی را کنار بگذاریم.

مصداقی از این برخورد امام با دشمنان وجود دارد که بتواند برای فضای دوقطبی امروز راه‌گشا باشد؟

بله، نمونه‌ای شگفت‌انگیز در تاریخ نقل شده است. مأمون که دشمن اصلی و طراح تبعید ایشان بود، روزی نزد امام آمد و از ایشان خواست برای فرزنددار شدنش دعا کنند. امام(ع) بر اساس کینه‌های شخصی برخورد نکردند. ایشان با صراحت و مهربانی دعا کردند و حتی جزئیات تولد آن فرزند را پیش‌بینی فرمودند. این پیام بزرگی دارد: «دشمنی مبنایی» نباید راه را بر «مروت و گره‌گشایی» ببندد. اگر در جامعه امروز برتری‌های سیاسی و جناحی را از مسائل انسانی جدا کنیم، سرمایه اجتماعی و اعتماد ...

... مسیری است که امام با خون خود ترسیم کردند. امروز، ایستادگی در برابر ظلم، نه فقط در شعار، که در تلاش برای «بصیرت‌افزایی» و «خدمت صادقانه» معنا می‌یابد.

مسیر کفر و دین بی‌مشتری نیست؛ تو در کدام مسیری؟

جامعه ما در سال‌های اخیر شاهد فداکاری و شهادت بسیاری از مدافعان کشور و امنیت بوده است. چگونه می‌توان میان فرهنگ رأفت و مهربانی در سیره امام رضا(ع) و فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه امروز پیوند برقرار کرد؟

برای درک این پیوند، ابتدا باید هندسه «مسیر» را بشناسیم. حقیقت این است که بازار کفر و دین هیچ‌گاه بی‌مشتری نبوده و نخواهد بود. تاریخ، صحنه انتخاب است؛ تو در کدام سمتی؟ شهیدان دقیقاً همان کسانی هستند که نخواستند چراغ این راه نورانی خاموش شود. این قصه، پایانی ندارد؛ چراکه جبهه باطل و مسیر خطا همواره رهروانی دارد که برای خاموشی نور تلاش می‌کنند.

نکته طلایی اینجاست؛ تداوم حق، محتاج «جانفشانی» است. ایثارگران ما انسان‌های ویژه‌ای هستند؛ لزوماً آدم‌های محرومی نبودند، بلکه بسیاری از آن‌ها با وجود تمکن مالی و موقعیت‌های عالی عافیت‌طلبی، «زمین بازی» را عوض کردند. آن‌ها نیامدند که فقط در قواعد موجود بازی کنند، آمدند تا پارادایم را تغییر دهند. این تغییر بازی، هزینه دارد و هزینه آن «جان» است.

... اجتماعی ایثارگران تضاد ندارد؟

اتفاقاً اشتباه جدی همین‌جاست. اگر امام رضا(ع) یا سایر معصومین(ع) در گوشه‌ای می‌نشستند، تسبیح می‌چرخاندند، استخاره می‌گرفتند و فقط به مسائل فردی پاسخ می‌دادند، نه‌تنها کسی با آن‌ها کاری نداشت، بلکه رسانه‌های آن روزگار (مداحان حکومتی) آن‌ها را تمجید هم می‌کردند. اما اصطکاک و جنگ زمانی آغاز می‌شود که امام به دلیل همان «عشق به خلق» وارد **«مرکز سیاست امور»** می‌شود. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «سَاسَةَ الْعِبَادِ»، یعنی آن‌ها سیاست‌گذار زندگی بندگان هستند. وقتی امام می‌بیند روندهای غلط جامعه دارد فرزندانش (مردم) را به لجنزار می‌کشد، وارد میدان تغییر می‌شود. فرهنگ ایثار و شهادت، میوه مستقیم درخت «رأفت» است. شهید، جان می‌دهد تا «انسان» بماند و این همان سیره امام رئوف(ع) است که برای اصلاح سرنوشت مردم، رنج هجرت، غربت و زهر را به جان خریدند.

نماد ایستادگی بر سر یک «عشق بزرگ»

نقش خانواده‌های شهدا و ترویج این نگاه در انسجام اجتماعی چیست؟

تکریم شهید و خانواده‌اش، تکریم یک شخص نیست؛ تکریم یک «منطق زندگی» است. منطق آن‌ها «نور بودن در دل تاریکی» است. اگر زیبایی اندیشه آن‌ها به‌درستی ترویج ...

... حضرت رضا(ع) را در یک جمله خلاصه کنم، آن مفهوم بنیادین «بازگشت به اصالت انسان» است. حضرت به ما آموختند انسان، فراتر از موقعیت‌ها و القاب، دارای یک «حرمت ذاتی» است.

این نگاه «فراموقعیتی» به انسان، در کجای تاریخ زندگی ایشان تجلی عینی یافته است؟

در یکی از تکان‌دهنده‌ترین فرازهای زندگی ایشان. تصور کنید لحظاتی را که سم در پیکر مطهر امام اثر کرده است؛ در اوج فشار جسمی و دردی طاقت‌فرسا، ایشان به خانه بازمی‌گردند. در آن وضعیت که هر انسانی قاعدتاً تنها به رنج خویش می‌اندیشد، نخستین پرسش امام این است: آیا اهل خانه غذا خورده‌اند؟ وقتی پاسخ منفی می‌شنوند، با وجود ناتوانی، دستور می‌دهند سفره را بگسترانند. اما شکوه ماجرا اینجاست: امام تک‌تک اعضای خانه را صدا می‌زنند. حتی به این هم بسنده نمی‌کنند و می‌فرمایند: آن کسی که در اصطبل مشغول تیمار مرکب‌هاست را هم بگویید بیاید. این یعنی در نگاه امام، انسان به «عدد» و «رتبه» تقسیم نمی‌شود. برای ایشان، آن خدمتکار ساده همان‌قدر «انسان» است که نزدیکانشان. ما اغلب به انسان‌ها به چشم یک «موقعیت» نگاه می‌کنیم؛ اینکه فلانی چه سودی برای ما ...

... نمی‌زنند. چرا؟ چون معتقد بودند من حق ندارم آرامش انسانی را، حتی اگر همسر یا فرزندم باشد، برای راحتی خودم برهم بزنم. این یعنی به رسمیت شناختن حقوق دیگری در ظریف‌ترین لایه‌ها.

این نگاه چگونه می‌تواند فرهنگ «ایثار و شهادت» را در جامعه امروز بازتولید کند؟

وقتی ما «انسان بودن انسان‌ها» را فراتر از سواد، ثروت یا جغرافیای سکونتشان به رسمیت شناختیم، دیگر «من» مطرح نیست؛ «ما» متولد می‌شود. در این نگاه، دیگر کسی «۵ درصد انسان» و دیگری «۱۰۰ درصد انسان» نیست. همه در انسانیت برابرند. وقتی این نگاه نهادینه شود، درد انسانی در آن سوی مرزها یا در مرکز کشور، تبدیل به درد من می‌شود. ایثار، ثمره همین پیوند عاطفی و انسانی است. شهادت و گذشت، از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از جایی که من می‌پذیرم «دیگری» به اندازه «من» ارزشمند است. جامعه‌ای که در آن، انسان «حرمت» داشته باشد، بن‌بستی نخواهد داشت؛ چراکه رأفت رضوی، قلب‌ها را به هم پیوند می‌زند و روحیه ایثار، سنگلاخ‌ها را هموار می‌کند. مأموریت امروز ما بازخوانی همین «ارزش‌گذاری انسانی» در تمامی ابعاد زندگی است.

زیر سایه خورشید

از حصر تا رهبری جریان؛ استراتژی تبدیل تهدید به فرصت در گفت‌وگو با دکتر رفیعی

از «ولایتعهدی تحمیلی» تا «پایگاه مقاومت»

مریم احمدی شیروان | ولایتعهدی تحمیلی امام رضا(ع)، سنگری برای مقاوم‌سازی جامعه از درون بود. جایی که امام(ع) دیوارهای میان حاکمیت و مردم را فروریخت و شبکه شیعی را در سراسر جغرافیای ایران انسجام بخشید. این حضور تحمیلی، درواقع یک عملیات معکوس بود که در آن، امام(ع) به جای هضم شدن در دستگاه خلافت، دستگاه خلافت را در برابر منطق پدری و رأفت خویش به زانو درآورد.

برای درک این پیچ تاریخی و درس‌های آن برای امروز امت، به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی، استاد مبرز تاریخ اسلام رفته‌ایم. گفت‌وگوی پیش رو نقشه‌راهی برای هر زائر است که می‌خواهد معنای حقیقی مقاومت در سیره رضوی را دریابد.

کودتای عباسی در غبار مرو

حجت‌الاسلام رفیعی در ابتدای این گفت‌وگو با ترسیم فضای ملتهب قرن سوم هجری و تحلیل روان‌شناختی مأمون می‌گوید: مأمون عباسی با یک کودتای خونین و پس از پنج سال جنگ خانوادگی با برادرش امین، به قدرت رسید و برای مشروعیت‌بخشی به حکومتی که بنی‌عباس هم زیر بار آن نمی‌رفتند، پایتخت را به مرو منتقل کرد. او برای آرام کردن قیام‌های علویان و جلب نظر توده‌ها، طرح فریبکارانه واگذاری خلافت و سپس ولایتعهدی را به امام رضا(ع) پیشنهاد داد.

این کارشناس تاریخ اسلام اضافه می‌کند: مأمون به دنبال ملی کردن امام بود تا ایشان را شریک جرم سیاست‌های خود نشان دهد، اما امام با هوشمندی تمام، شرط عدم دخالت در عزل و نصب‌ها را پیش کشیدند تا امضای ایشان پای جنایات عباسیان نرود. براساس آنچه در کتاب عیون اخبارالرضا(ع) آمده است، امام با پذیرش این منصب تحمیلی، درواقع تریبونی برای معرفی مکتب اهل‌بیت(ع) در قلب دستگاه دشمن بدست آوردند و تهدید حذف فیزیکی را به فرصت حضور اجتماعی بدل کردند.

منطق سن در برابر فریب

این استاد برجسته حوزه و دانشگاه با اشاره به استدلال‌های دقیق امام در مواجهه با مأمون، به نکته‌ای ظریف در سیره سیاسی ایشان اشاره کرده و می‌گوید: امام رضا(ع) در پاسخ به اصرار مأمون، از منطق عمر و زمانه استفاده کردند تا به مردم بفهمانند این ولایتعهدی یک نمایش دروغین است. ایشان به مأمون که در دهه چهارم زندگی‌اش بود فرمودند من ۲۰ سال از تو بزرگ‌ترم و طبق روال طبیعی، پیش از تو از دنیا خواهم رفت؛ پس چگونه ولیعهد کسی باشم که خود بعد از او زنده نخواهم ماند؟

دکتر رفیعی اظهار می‌کند: این سخن امام، تمام بافته‌های تبلیغاتی مأمون را که می‌خواست امام را جانشین خود معرفی کند، پنبه کرد. امام با این موضع‌گیری، به جامعه پیام دادند حضور ایشان در مرو، نه برای کسب قدرت، بلکه برای حفظ جبهه حق و جلوگیری از فروپاشی شیعیان بر اثر فشارهای امنیتی است. امام با این رفتار، عقلانیت انقلابی را در برابر احساسات زودگذر قرار دادند تا پیروانشان بدانند هر حرکتی در سیره امام، پیوست دقیق الهی دارد.

امام فرمودند: ما شیعیانمان را در سراسر دنیا می‌شناسیم و هرگز آن‌ها را تنها نمی‌گذاریم. این آگاهی غیبی که ریشه در علم لدنی دارد، همان‌گونه که در سوره نمل (آیه ۱۶: عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّیْرِ) درباره حضرت سلیمان(ع) آمده، در سیره رضوی برای امیدآفرینی در دل نیروهای مؤمن به کار گرفته می‌شد تا بدانند در مسیر مبارزه، تحت حمایت کامل حجت خدا هستند.

ریل‌گذاری نوین در زیست مؤمنانه

این محقق دینی با نقد نگاه‌های تک‌بعدی به دین، به تبیین الگوی تعادل در سیره امام رضا(ع) پرداخته و می‌گوید: امام با حضور فعال در متن جامعه و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، با تفکر رهبانیت و گوشه‌نشینی مبارزه کردند. ایشان در حدیثی تکان‌دهنده فرمودند «لیس منا من ترک دنیاه لدینه و دینه لدنیاه»؛ یعنی کسی که به بهانه دین، کار و تلاش دنیا را رها کند، یا به خاطر دنیا، دینش را بفروشد، از ما نیست.

وی اضافه می‌کند: امام رضا(ع) دین و دنیا را مانند دو خط ریل راه‌آهن می‌دیدند که باید با هم حرکت کنند تا قطار سعادت جامعه به مقصد برسد. ایشان با این منطق، شیعیان را به سمتی هدایت کردند که در عین پارسایی، در متن تحولات سیاسی و اقتصادی حضور داشته باشند. این الگوی صبر فعال، دقیقاً همان چیزی بود که مأمون از آن هراس داشت؛ چرا که امام با این روش، مؤمنانی تربیت می‌کرد که هم اهل محراب بودند و هم اهل میدان و این یعنی شکست پروژه استحاله فرهنگی خلافت.

منشور همبستگی در عصر فتنه

حجت‌الاسلام رفیعی در ادامه با بازخوانی توصیه‌های امام به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، آن را منشور صیانت از جبهه داخلی در برابر تهدیدات نرم می‌داند و بیان می‌کند: امام در این نامه تاریخی که در کتاب «الاختصاص» (شیخ مفید، صفحه ۲۴۷) آمده، به شیعیان دستور دادند شیطان را بر خود مسلط نکنند و از تخریب یکدیگر بپرهیزند. ایشان تأکید کردند «صدق الحدیث» (راست‌گویی) و «اداء الامانه» (امانت‌داری) دو رکن اصلی هر فعالیت انقلابی و اجتماعی است. این کارشناس تاریخ اسلام اضافه می‌کند: امام رضا(ع) به‌خوبی می‌دانستند اگر جبهه داخلی دچار دروغ، خیانت و تفرقه شود، حتی با وجود امام هم شکست خواهد خورد. لذا مواسات را از سطح مالی به سطح «آبرویی» ارتقا دادند و فرمودند شیعیان نباید آبروی یکدیگر را بریزند. این همدلی همه‌جانبه سبب شد جبهه مقاومت در برابر توطئه‌های مأمون که به دنبال ایجاد شکاف میان یاران امام بود، مانند بنیانی مرصوص (سوره صف، آیه ۴) مستحکم بماند.

رسوایی مأمون در فرجام راه

این استاد مبرز تاریخ با تحلیل لحظات پایانی عمر امام و تأثیر شهادت ایشان بر افکار عمومی می‌گوید: مأمون تصور می‌کرد با زهر جفا می‌تواند پرونده حضور امام را ببندد، اما شهادت مظلومانه امام رضا(ع) آخرین ضربه بر پیکر مشروعیت خلافت عباسی بود. امام با جانفشانی خود ثابت کردند پذیرش ولایتعهدی نه از ...